

با در نظر گرفتن اینکه مطابق آنچه گفتیم سیر استقرار مرکزیت‌های اجرایی در نظام جهانی اسلام متناسب با سیر تقسیمات جمعیتی در حوزه جهانی امت اسلامی می‌باشد و این تقسیمات بنا بر بحث قبل در هفت مرتبه اصلی مرزبندی می‌شوند؛ پس سیر استقرار مرکزیت‌های اجرایی نظام بترتیب عبارتند از:

- الف - مرکزیت اصلی جهانی
- ب - مرکزیت قاره‌ای
- ج - مرکزیت کشوری
- د - مرکزیت استانی
- ه - مرکزیت بخشی
- و - مرکزیت شهری
- ز - مرکزیت درون شهری (مدینه‌ای)

قابل ذکر است که حوزه‌های جمعیتی در برگیرنده مرکزیت‌های اجرایی نظام در هر یک از این تقسیمات که به منزله جایگاه و ظرف استقرار جریان فعالیت این مرکزیت‌ها در سطح آن حوزه می‌باشد کاملاً ارزش تشکیلاتی داشته و مانند هر حدود دیگری در نظام اسلامی مشخص کننده حوزه حقیقی ایفا نقش مرکزیت‌های نظام می‌باشد.

### مرکزیت اصلی

مقصود اصلی‌ترین مرکزیت دستگاه اجرایی نظام خلافت و ولایت الهی یا به بیان کامل‌تر همان نظام الهی اسلام است که در این صورت مرکزیت مزبور نمود "هسته مرکزی" دستگاه اجرایی این نظام در میان امت بزرگ اسلامی خواهد بود، یعنی اصلی‌ترین مرکزیت گردش امور مورد نیاز آن‌ها که در حقیقت مبدا اولیه صدور و بسط این امور است.

این مرکزیت بر پایه مباحثی که در رابطه با سومین دوره از حرکت انبیا و در ارتباط با نقش خانه کعبه در جایگاه نخستین نمود مرکزیت نظام خلافت و ولایت الهی در زمین داشتیم در حقیقت منطبق بر خانه کعبه می‌باشد و این معنی علاوه بر استناد به آن مباحث، مورد اشاره مستقیم قرآن کریم نیز واقع شده است، چنانچه در آیه ۹۶ سوره آل عمران در رابطه با نقش جهانی این خانه در جهت هدور هدایت الهی می‌فرماید:

ان اول بیت وضع للناس بیکه مبارکاً و هدی للعالمین

"اول خانه‌ای که برای مردمان قرار داده شده، خانه کعبه است که در آن برکت و هدایت برای جهانیان است."

مطابق این آیه نه تنها خانه کعبه اول مکان جعل شده از سوی پروردگار عالم برای نشر هدایت الهی در میان بشر است و قبل از آن چنین مرکزیتی وجود نداشته است، بلکه در همین حال نقش هدایت عمومی و جهانی داشته و این نقش همچنان برای آن محفوظ می‌باشد یعنی همیشه "هدی للعالمین" است.

به همین دلیل مشخص است که وقتی خانهای بعنوان اولین مرکز هدایت جهانی مطرح و شناخته شود و این نقش همچنان برای آن تداوم پیدا کند، در حقیقت نقطه تمرکز واحد و مشترک عموم هدایت شوندگان در همه زمان‌ها خواهد بود، یعنی نقش آن برای عموم مردم جهان و عموم موجودات عالم که به سوی این خانه متوجه و متمرکزند همواره نقش مرکزیت واحد و اصلی می‌باشد.

### شهر مادر

قرآن کریم در رابطه با موقعیت اصلی و مرکزی جایگاه استقرار خانه کعبه، یعنی شهر مکه نیز طی آیه‌ای دیگر، از موقعیت آن بعنوان، "ام القری" نام می‌برد که به معنی "شهر مادر" است و در حقیقت بیانگر اصالت و مرکزیت جایگاه این شهر نسبت به همه شهرها و قرای روی زمین می‌باشد چنانکه می‌فرماید:

هذا کتاب انزلناه مبارک مصدق الذی بین یدیه و لتتذرا ام القری و من حولها ...

# سیر استقرار مرکزیت‌های اجرایی



نظام حکومت اسلامی  
مبتنی بر احکام و سیرت نبوی و ائمه

برشی دیگر از کتاب  
نظام حکومت اسلامی

دکتر محمد علی رازانی

شماره ۵

"این کتابی است که ما آن را نازل کردیم، مبارک است، تصدیق کننده کتاب‌های پیشین تا ام القری (مکه) و هر که (از مردم دیگر قرای زمین را که) حول آن است بیم دهی ... (سوره انعام، آیه ۹۲) مطابق این آیه "شهر مکه" که جایگاه استقرار خانه کعبه و به عبارت دیگر "شهر کعبه" می‌باشد در میان همه شهرها و قرای مستقر در تمام مناطق و نواحی زمین به عنوان "شهر مادر" یا "شهر مرکزی" شناخته می‌شود و این در حقیقت بیانگر مطابقت نقش اصلی و مرکزی این شهر با نقش اصلی و مرکزی گوهر درونی آن، یعنی "خانه کعبه" است.

### نقش مرکزی عوامل اصلی

مقصود کیفیت ظهور نقش عوامل برپادارنده تشکل نظام اسلامی در حوزه مرکزیت اصلی دستگاه اجرایی این نظام یعنی در حوزه خانه کعبه و مسجدالحرام است و ما قبلاً در مباحث مربوط به سومین دوره از ظهور نظام خلافت و ولایت الهی بر محور انبیا با مصادیق اولیه ظهور نقش این عوامل در این مرکزیت آشنا شدیم. که بر اساس آن "مقام ابراهیم" که نمود مقام "امامت و ولایت" انبیا است، بعنوان نخستین جایگاه ظهور "مقام رهبری" این نظام در مرکزیت کعبه معرفی گردید.



حوزه گسترده احکام حج ابراهیمی که در آنجا جاری است. احکام شریعت الهی را در خود دارد و در رابطه با وظایف و تکالیف زیادی را بر مردم نیاز مردم حج گذار ارائه حکیم و قانون می کند بعنوان نخستین جلوه کسوف نقش این احکام در حوزه اجتماعی حج شناخته گردید که در واقع از مجرای مرکزیت کعبه و مسجد الحرام ارائه می شود.

به همین ترتیب مشارکت اجرایی گسترده مردم موحد در برپایی برنامه های حج، آن هم مشارکت برگزیده ترین مردم که از هر نظر به درجه "استطاعت" رسیده باشند، نمود نقش اجرایی منسجم و فعال آن ها در رابطه با مرکزیت اصلی نظام یعنی خانه کعبه و مسجد الحرام می باشد و آن طور که گفته شد، نهایتا نیز بر حول مقام محوری این خانه یعنی مقام ابراهیم(ع) متمرکز شده و نسبت به آن تعیین موقعیت می شوند.

اکنون با استناد به آن مباحث و در ادامه مباحث قبل باید گفت: نقش عوامل مزبور همچنان در رابطه با این مرکزیت تناوم یافته و هر کدام در جایگاه حقیقی خود ظهور مشخصی داشته است که اجمالا توضیحاتی را در رابطه با آن ها می آوریم.

**الف - تداوم نقش رهبری**

مقام امامت و ولایت ابراهیم(ع) همچنان بعد از آن حضرت در انبیا و اولیا الهی از ذریه پاک او ظهور پیدا کرده است و بعد از حضرت خاتم النبیین(ص) نیز که آخرین رسول الهی از این سلسله بوده، در امامان معصوم از ذریه ایشان ادامه یافته است، چنانکه هم اکنون نیز دوازدهمین امام از این ذریه پاک الهی یعنی حضرت مهدی(ع) که وجود مقدس ایشان در غیبت کبری می باشد در جایگاه مقام رهبری اصلی و جهانی نظام الهی اسلام استقرار دارد که همان جایگاه مقام ابراهیم(ع) و ذریه برگزیده ایشان در مرکزیت اصلی این نظام، یعنی در خانه کعبه است و البته آن طور که در مباحث بعدی می آید، ظهور این مقام در زمان غیبت معصوم(ع) تحت شرایطی بعهدده فقها عادل و با تقوایی می باشد که خط ولایت آن ها در امتداد خط ولایت انبیا و اولیا الهی استقرار دارد.

**ب - تداوم نقش شریعت**

به همین ترتیب نقش شریعت نیز بعد از نمود گسترده آن در حوزه حج ابراهیمی همچنان بر محور انبیا بعد از ابراهیم(ع) تداوم یافته و آنطور که گفتیم سرانجام در دوره پنجم با نزول کامل شریعت الهی اسلام بوسیله حضرت خاتم النبیین(ص) احکام اصولی آن ظهور همه جانبه ای پیدا کرده است و در همین حال همواره خود انبیا عامل اصلی استخراج این احکام و بسط نقش آن ها در رابطه با نیازهای عمومی مردم به آن ها بوده اند.

چنانکه نمونه های این استخراج را در صدر اسلام و در زمان حضرت خاتم النبیین(ص) فراوان می بینیم.

حوزه گسترده احکام حج ابراهیمی که در آنجا جاری است. احکام شریعت الهی را در خود دارد و در رابطه با وظایف و تکالیف زیادی را بر مردم نیاز مردم حج گذار ارائه حکیم و قانون می کند بعنوان نخستین جلوه کسوف نقش این احکام در حوزه اجتماعی حج شناخته گردید که در واقع از مجرای مرکزیت کعبه و مسجد الحرام ارائه می شود.

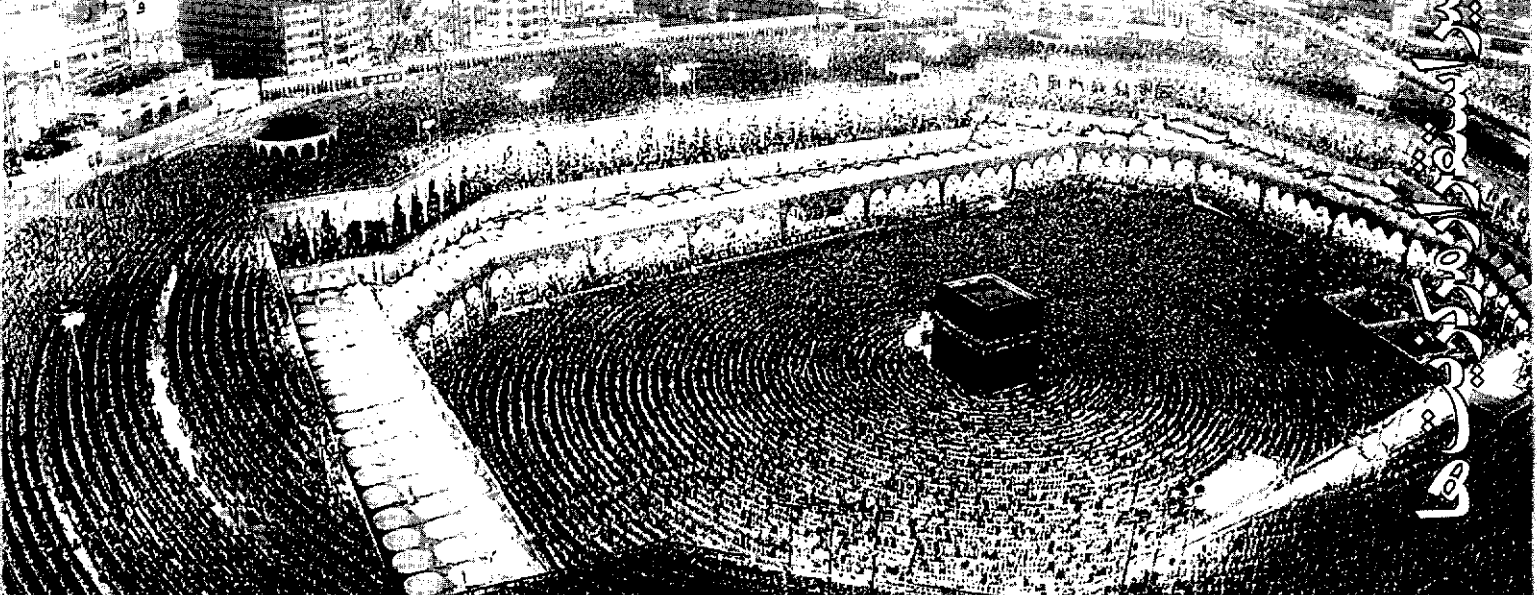
اما در رابطه با تداوم نقش اجرایی مردم باید گفت که این نقش در رابطه با مرکزیت اصلی از حساسیت خاصی برخوردار است زیرا از آنجا که این مرکزیت جنبه جهانی دارد و متعلق به عموم مومنین جهان می باشد، قطعا عموم آن ها تحت شرایطی می توانند به سوی آن جذب شده و در رابطه با برنامه های آن فعالیت اجرایی داشته باشند و این شرایط مطابق آنچه که در رابطه با مشارکت اجرایی مردم در حوزه حج ابراهیمی گفتیم مربوط می شود به "استطاعت" همه جانبه آن ها برای شرکت در چنین فعالیتی، یعنی اساسا هر فردی که از تمام جنبه های روحی و جسمی و فکری و تخصصی و... در حوزه استقرار خود جز برترین ها بشمار می رود و به اصطلاح از همه جهت "مستطیع" می باشد، لازم است که به سوی مرکزیت اصلی هجرت نموده و در رابطه با برنامه اختصاصی این مرکزیت وارد فعالیت مستقیم اجرایی شود که این در واقع به معنی جذب بهترین های امت اسلامی از سراسر جهان به سوی این مرکزیت و تشکیل و تشکل گروه های اجرایی مخصوص به فعالیت های گسترده آن می باشد.

**جایگاه استقرار مرکزیت اصلی**

بر پایه توضیحات مربوط به نمود مشخص یک مرکزیت اجرایی نظام اسلامی، نهایتا با استناد به مرکزیت مسجد در مدینه منوره، مراتب اصلی تشکیلاتی آن بترتیب طی سه مرتبه "هسته معنوی"، "تشکل های بنیادی" و "دوایر اجرایی" مشخص گردید، که در ارتباط کاملا پیوسته و هماهنگ در تشکل واحد یک مرکزیت نظام سازمان می یابند.

اکنون سوال آن است که در مرکزیت جهانی کعبه و مسجد الحرام که مهم ترین مرکزیت نظام است، جایگاه حقیقی مراتب تشکیلاتی فوق در کجاست؟ آیا در حالی که کعبه و مسجد الحرام نقطه تمرکز صحنه جهانی صلوه و نیز مراسم گسترده حج ابراهیمی می باشند می توان آن ها را بعنوان هسته معنوی مرکزیت جهانی نظام اسلامی در نظر گرفت و مراتب بعدی تشکل این مرکزیت یعنی مرتبه "تشکل های بنیادی" و مرتبه "دوایر اجرایی" را به ترتیب بعد از جایگاه مرکزی آن ها قرار داد؟ آیا این عمل با توجه به وظایف اجرایی بسیار گسترده و حساس مرکزیت جهانی نظام سبب تناخل و آشفتگی کامل نقش های سیاسی و عبادی این مرکزیت نمی شود؟

در پاسخ به این سوال در وهله نخست باید گفت: فرض آنکه کعبه و مسجد الحرام در جایگاه هسته معنوی مرکزیت جهانی نظام اسلامی و در مرکز تشکل های سیاسی و اجرایی آن



بگیرند در آنصورت می توان فاصله نخستین مدار این هسته را که جایگاه استقرار تشکلهای بنیادی نظام است، آنچنان تنظیم کرد که عملاً مراعاتی در نقش عبادی این هسته ایجاد نکند و همین فاصله را می توان در رابطه با مدارات بعدی که جایگاه استقرار دایره اجرایی نظام است رعایت نمود.

بدیهی است که در اینصورت هرگونه تأسیسات شهری اعم از تجاری یا رفاهی یا مسکونی و غیر آن، بعد از این مدارات قرار می گیرند و این امر از لحاظ حفظ شئونات عبادی و معنوی این جایگاه مقدس نیز بسیار حایز اهمیت است.

اما مطلب مهمتر آنکه اساساً استقرار نظام جهانی اسلام در صورتی میسر است که وجود مقدس مصوم (ع) در صحنه عینی زندگی بشر حضور مستقیم پیدا کرده باشد و در همین ارتباط چنانچه شرایط ظهور آخرین مصوم از ذریه حضرت خاتم النبیین، یعنی حضرت مهدی (ع) فراهم شود و این ظهور واقع گردد در آن صورت هرگونه ایفا نقش عبادی و سیاسی مرکزیت جهانی نظام اسلامی صرفاً تحت تدبیر مستقیم ایشان شکل می گیرد و به فعلیت می رسد لذا چه بسا تشکلهای بنیادی نظام بجای ظهور در موقیعتهای سه گانه آن و به ایثار نیز مانند زمان حضور مستقیم رسول اکرم (ص)، در همان حوزه واحد صحن و تحت هدایت مستقیم حضرت مهدی (عج) استقرار پیدا کنند یا بطور کلی شیوههای اجرایی کاملاً متفاوتی از سوی ایشان اتخاذ شود که ما هم اکنون از درک آن عاجزیم.

آنچه مسلم است، نظام جهانی اسلام سرانجام تحت لوای ذریه پاک رسول الله واقع می شود و مهم آنست که با ظهور نقش اجرایی مرکزیت جهانی این نظام تحت رهبری مستقیم آن حضرت، جوامع کوچک و بزرگ اسلامی از آمادگی تشکیلاتی و اجرایی هرچه بیشتر برای استقرار در مدار جاذبه این

مرکزیت الهی برخوردار باشند.

لذا هرگونه بحث و بررسی در باب نظام ولایت و حکومت در اسلام و در همین ارتباط

اقتنا به راه و رسم انبیا الهی

و

نهایتاً صورت کامل تمرکز اجرایی نظام آن ها در مدینه منوره و تحت رهبری مستقیم حضرت خاتم النبیین (ص) در حیضت سنی و تلاش برای نیل به همین هدف مقدس می باشد یعنی دریافت بهترین صورت ممکن از نظام ولایت و حاکمیت الهی انبیا در زمین و در حوزه زندگی انسانی، به نحوی که از هر نظر امکان الگو گرفتن از آن و بسط نقش آن در جوامع گسترده بشری فراهم باشد و بدین وسیله با اقتنا جوامع الهی و اسلامی به آن تدریجاً استعداد و آمادگی لازم برای بهترین لبیک به دعوت جهانی مهدی (ع) و استقرار هرچه بهتر و سازمان یافته تر در مدارات نظام الهی آن حضرت برای آنان فراهم شود.

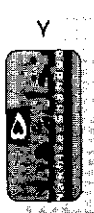
### تمرکز تشکیلاتی مرکزیت اصلی

مطابق مباحث مربوط به ظهور دوره های نظام خلافت و ولایت الهی و نیز مباحثی که در بخش های گذشته داشتیم، مشخص است که هر کلام از عوامل سه گانه برپا دارنده تشکلهای مرکزیت اصلی نظام اسلامی (موضوع مباحث قبل) در ارتباط با نقش تشکیلاتی مشخصی که در این مسیر ایفا می کنند از جایگاه تشکیلاتی مشخصی نیز برخوردارند، چنانکه عامل رهبری در جایگاه محور برپا دارنده تشکلهای مستقر می باشد و عامل «رهبریت» در جایگاه قاعده زیرین این تشکلهای قرار دارد که در واقع پایگاه استقرار محور رهبری است و به همین ترتیب نقش مجریان نظام نیز در تشکلهای متمرکز و مدار گونه ای مجسم می شود که بر حول محور رهبری و بر سطح عمومی قاعده زیرین نظام گسترده شده است و لذا نقش این سه عامل متناسب با موقیعتهای سه گانه فوق در یک «مخروط کامل» متشکل می شود که نمایانگر تمرکز اصلی دستگاه اجرایی نظام می باشد و در همین ارتباط تصویر جامعی از آنرا در انتهای مباحث مربوط به پنجمین دوره از حرکت انبیا مشاهده کردیم.

### مرکزیت جانبی

از برنامه هجرت رسول اکرم (ص) و یاران و پیروان مخلص ایشان از مکه به سوی مدینه و تشکیل حکومت و نظام در این شهر که طی مباحث مربوط به ظهور نظام الهی اسلام (در دوره پنجم) به آن اشاره داشتیم، بطور کلی چنین می فهمیم که آن حضرت بنا برخواست پروردگار عالم و در پی فشار سیاسی و اقتصادی عظیمی که مشرکان مکه بر نهضت الهی ایشان و پیروان آن وارد کرده اند و پس از آنکه زمینه مساعدی برای برپایی حکومت و نظام خلافت الهی در جایگاه اصلی این نظام یعنی شهر مکه و از طریق مرکزیت اصلی آن یعنی خانه کعبه فراهم نبوده است، مجبور به ترک این سرزمین شده است و به منظور پیاده کردن اهداف الهی خود بطور موقت شهر مدینه را که در مجاورت سرزمین اصلی قرار داشته در نظر گرفته است. همچنین برای این مقصود بنا بر دستور الهی مرکزیت جدیدی را به عنوان مسجد تاسیس کرده که بعد از خانه کعبه نخستین محور جانبی تمرکز و تشکلهای مردم تازه مسلمان مدینه بوده است.

از این اقدام پیامبر (ص) که از بدو ورود ایشان به شهر مدینه فعالیت های مربوط به برنامه ریزی و ساخت آن آغاز گردید بطور کلی چنین استنباط می شود که به منظور برقراری هرگونه تمرکز و تشکلهای جانبی نظام ولایت الهی در زمین که در حوزه هر یک از مناطق و نواحی حضور امت بزرگ اسلامی غیر از حوزه شهر مرکزی مکه استقرار داشته باشند،



سپهر استقرار مرکزیت ها

شماره ۵

می‌بایست مرکزیت جهانی را در نظر گرفت که امور مربوط به آن منطقه و ناحیه در همه زمینه‌های آن از طریق آن مرکزیت حل و فصل شود. همچنین روشن است که چون این مرکزیت نسبت به مرکزیت اصلی نظام در موقعیت فرضی و جایی قرار دارد، متناسب با موقعیتش به عنوان 'مرکزیت جانی' نظام اسلامی شناخته می‌شود و در واقع نمود 'مرکز جانی' دستگاه اجرایی این نظام در هر یک از حوزه‌های جانی حضور است اسلامی می‌باشد.

### تعمیم نقش عوامل اصلی

از آنجا که مطابق مباحث قبلی، نظام الهی اسلام حاکمیتی فراگیر و جهانی دارد که متعلق به عموم امت موحّد اسلامی در حوزه جهانی استقرار آن هاست. پس معلوم می‌شود که مقصود از تشکیل جهانی این نظام نهایتاً ظهور نقش اجرایی عوامل سه گانه فوق الذکر در حوزه جهانی استقرار این نظام الهی می‌باشد یا به عبارت دیگر به مفهوم گسترش نقش اجرایی این عوامل در حوزه جهانی حضور است اسلامی و در رابطه با همه مرکزیت‌های اجرایی نظام می‌باشد زیرا با فرض اینکه جایگاه ظهور نقش مصادیق اصلی این عوامل یعنی نقش رهبری اصلی، نظام و عوامل اصلی متصدی امر احکام و قوانین شریعت اسلامی و مجریان اصلی امور اجرایی مرکزیت است اسلامی می‌باشد و جایگاه ظهور مرکزیت اصلی دستگاه اجرایی نظام اسلامی در حوزه خانه کعبه و مسجد الحرام است قطعاً برای گسترش این نقش به همه مناطق و نواحی تحت حاکمیت این نظام در حوزه جهانی آن لازم است نقش عوامل مزبور در رابطه با همه مرکزیت‌های اجرایی نظام مستقر در همه این نواحی، ظهور فعال داشته باشد که این به معنی گسترش نقش جهانی این عوامل است و در همین حال نمایانگر ظهور سراسری دستگاه اجرایی نظام اسلامی از مجرای این عوامل و در حوزه جهانی استقرار مرکزیت‌های اجرایی آن می‌باشد.

با این حساب هر گونه بسط جهانی شکل اجرایی نظام الهی اسلام، اولاً مربوط می‌شود به گسترش جهانی نقش رهبری این نظام، که در حقیقت به معنی گسترش نقش نمایندگان رهبری در همه مرکزیت‌های اجرایی نظام اسلامی می‌باشد که در مرکز همه حوزه‌های تقسیمات جمعیتی امت جهانی اسلام استقرار دارند و همان عوامل مجوری برپادارنده تمرکزهای تشکیلاتی نظام در این حوزه‌ها می‌باشند ثانیاً مربوط می‌شود به گسترش نقش شریعت اسلامی که در حقیقت به معنی گسترش نقش زیربنایی متصدیان این امر در همه حوزه‌های مزبور و در رابطه با همه مرکزیت‌های اجرایی نظام می‌باشد و در جایگاه قواعد زیرین این مرکزیت‌ها استقرار دارند ثالثاً مربوط می‌شود به گسترش نقش مجریان مردمی در رابطه با همه مرکزیت‌های اجرایی نظام که خود عوامل بسط نقش اجرایی این مرکزیت‌ها به میان مردم می‌باشند و جایگاه آن‌ها در همان مدارات متمرکزی تصویر می‌شود که در سطح قاعده زیرین هر کدام از مرکزیت‌های نظام گسترده است.



شماره ۵

سیر استقرار مرکزیت‌ها

